

شیوه‌های نوآوری در تصویرسازی‌های زلالی خوانساری

سمیه مظهری‌صفت

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر مهین‌دخت فرخ‌نیا

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر بهجت‌السادات حجازی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

زلالی خوانساری (وفات ۱۳۲۵ ه.ق) از شاعران شاخص تصویرگرا و نوجوی سبک هندی در سده یازدهم هجری است که با رویکردی نوآورانه، سخن خویش را با تصاویری خلاقانه، به نمایش گذاشته است و از آنجا که بررسی و تحلیل این تصاویر نوآورانه، موجب درک بهتر مضمون مورد نظر شاعر و همچنین دریافت قدرت وی در پردازش تصاویر می‌گردد؛ در پژوهش حاضر، با هدف دریافت شیوه‌های زلالی در خلق تصاویر نوآورانه، ابیات دارای تصاویر مبتکرانه، با روش تحلیل کیفی محتوای متن بررسی و تحلیل گردید. دستاورد این پژوهش نشان داد، نوآوری‌های وی در تصویرسازی عمدتاً حاصل سه شیوه بوده است: تلفیق تصاویر؛ تصرفات واژگانی و کنایه‌های مبتکرانه. بر اساس یافته‌های پژوهش، در شیوه تلفیق تصاویر، بار اصلی تصویرسازی بر فن تشبیه است و همچنین تصاویر این شیوه، جنبه تفصیلی بیشتری نسبت به دو شیوه دیگر دارد؛ در شیوه تصرفات واژگانی، تصاویر نو متنوع‌تر و دارای ایجاز، بیشتر مشاهده می‌گردد؛ در شیوه کنایه‌های مبتکرانه نیز شاعر، تصاویر نو را در بستری از کنایه‌های خلاقانه به نمایش در آورده است و اینگونه ذهن مخاطب را از یک‌سو برای دریافت معنا و از سوی دیگر، دریافت تصویر جدید به تلاش وادار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: تصویر، زلالی خوانساری، سبک هندی، نوآوری.

۱- مقدمه

از آنجا که تصویر به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی اطلاق می‌شود همچنین در رایج‌ترین کاربرد عبارت است از «هرگونه تصرف خیالی در زبان» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۴)؛ طبیعی است در هر دوره از ادب فارسی، شگردهای جدیدی در تصویرآفرینی پدید آید، از این‌رو، «اهمیت و زیبایی تصویر شعری در شگفتی و غرابت آن است» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۱). سبک هندی یکی از دوره‌های بااهمیت در شعر فارسی است؛ زیرا شاعر را با صورتی دیگر از تصرف تخیل در تصاویر روبرو ساخته است تا جایی که شاعران این دوره، آگاهانه و فراگیر با سنت‌های شعری پیشین مبارزه می‌کنند و برای دیرپاب بودن اشعار خود، تصویرهای

شعری همراه با نوآوری در زبان پدید می‌آورند که حاصل آن، پیوند میان امور حسّی و انتزاعی، دقت در جزئیات پدیده‌ها و کشف تشابه و تناسب‌های غریب است.

زلالی خوانساری (وفات ۱۰۲۵ه.ق) از شاعران تصویرگرا، سرشناس و مبتکر سبک هندی در سده یازدهم هجری است که کوشیده از طریق خلاقیت در ایجاد تصاویر شعری، سخن خود را از سخن پیشینیان و قراردادهای ادبی معهود، تمایز بخشد. شاعری که «وجود غرابت، اجمال و ایجاز نهفته در تصاویر، شعر وی را از غامض‌ترین اشعار این دوره قرار داده است» (شفیعیون، ۱۳۸۷: ۳۸) به طوری که نوآوری و خلاقیت زلالی خوانساری بر ناقدان سخن معاصر وی نیز پوشیده نبود چنانکه از نظر خان‌آرزو- تذکره‌نویس و منتقد عصر صفوی- زلالی، «تصاویر غامض را تعمداً وارد عناصر سبکی خویش کرده و در اشعار خود، التزام کرده است [...] و سرمشق شعری خیال‌بند یعنی آن‌هایی که به صورت تازه و انتزاعی در شعر، بیش از دیگران اهمیت می‌دهند، است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵، ۶۴) همچنین تذکره‌نویس دیگری، زلالی را «اوستاد سخنوران» خوانده و می‌نویسد: «فراوان دقت نظر باید تا به شرفه ایوان انداز بلندش تواند رسید» (لودی، ۱۳۲۴ق: ۶۲).

۱-۱ بیان مسأله

زلالی خوانساری در تصاویر شعری خویش، صرفاً به دنبال تکرار کورکورانه سنت‌های ادبی و تصاویر معهود و همگانی آن نبوده و با آگاهی کوشیده است به صورتی تازه و متناسب با ذائقه شعری زمان خود برخی از تصاویر سنتی را تغییر دهد. از این رو وی، به دنبال شیوه‌هایی جهت غنا بخشیدن به تصاویر شعری خویش بوده است. بر این اساس، پژوهش حاضر بر آن است تا از طریق بررسی و تحلیل تصاویر شعری زلالی خوانساری به این پرسش پاسخ دهد که تصاویر نو در شعر وی با چه شیوه‌هایی ایجاد شده است؟

۱-۲ پیشینه و ضرورت پژوهش

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون شعر زلالی خوانساری نشان می‌دهد اگرچه پژوهشگران به جنبه‌های ابتکاری شعر زلالی، اذعان داشته‌اند؛ اما عمدتاً بخش‌هایی از شعر وی همچون قصاید یا مثنوی‌های وی را از جنبه‌های مختلف سبکی و بلاغی بررسی کرده‌اند. برای نمونه:

- شفیع‌یون (۱۳۸۴) مصحح کلیات اشعار زلالی خوانساری، در بخش پایانی دیوان، به ترکیبات و صور خیال به کار رفته در شعر وی، اشاره کرده است؛ اما پیرامون تازه و یا تکراری بودن آن‌ها توضیحی نداده است. همچنین وی (۱۳۸۷) در کتاب زلالی خوانساری و سبک هندی، مختصات شعری زلالی را برشمرده و از مثنوی‌های وی نمونه ابیاتی آورده است.

- اکبری‌پور (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی امور بلاغی در قصاید زلالی خوانساری» با بررسی قصاید زلالی، به این نتیجه رسیده است که از ویژگی‌های سبک هندی، مواردی همچون تعقید و پیچیدگی، کثرت تشبیهات و استعارات و کنایات، تشخیص، ترکیب‌سازی، ایهام و ارسال‌المثل در قصاید وی بارز است و بیشترین میزان صور خیال به‌کاررفته، مربوط به تشبیه است.

- رحمانی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی سبکی مثنوی‌های زلالی خوانساری»، به این نتیجه رسیده است که شاعر با برخورداری از غنای زبانی و دایره وسیع لغوی موجب استحکام فرم درونی مثنوی‌های خود شده است. همچنین وی از ویژگی‌های دوره‌ای و سبک شخصی خود همچون بهره‌مندی از شگردهای گوناگون بلاغی و زیبایی‌آفرین بهره برده است.

- دهمرده و شاهگلی (۱۳۹۷) در مقاله «زاللی خوانساری و هنر ترکیب‌سازی» صرفاً با بررسی نوترکیبات شاعر در سه بخش ساختمان دستور زبان، مضامین فکری و بلاغت به این نتیجه رسیده‌اند که زلالی با استفاده از خصوصیت زایایی زبان و ویژگی ترکیب‌پذیری آن کلمات و ترکیبات بی‌نظیری ساخته است که از میان آن‌ها، ترکیبات اسمی، هم از لحاظ بلاغت و فصاحت و هم از لحاظ بدعت و تازگی از اهمیت فراوانی برخوردار است.

- سرمست و همکاران (۱۳۹۹) نیز در مقاله «بررسی تشبیه در قصاید زلالی خوانساری»، با اذعان به اینکه زلالی، شاعری تشبیه‌ساز و تصویرگر بوده است؛ تنها قصاید وی را از منظر انواع تشبیه و ارکان آن، بررسی کرده‌اند.

- نگارندگان پژوهش حاضر (۱۴۰۳) نیز در مقاله «بررسی وابسته‌های تصویری عناصر فلکی و جانوران در شعر زلالی خوانساری» وابسته‌های تصویری را در دو موضوع یادشده بررسی کرده‌اند؛ و چنانچه شاعر در این تصاویر، نوآوری داشته، به آن اشاره کرده‌اند. همچنین در مقاله «تحلیل شیوه‌های بازنگری و نوآوری زلالی خوانساری در تصاویر موتیوهای گیاهی (مجموعه اشعار زلالی خوانساری)» جنبه‌های تازگی تصاویر و نوآوری‌های شاعر را صرفاً در موتیوهای گیاهی بررسی کرده‌اند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد اگرچه تصویرسازی‌های زلالی خوانساری و فنون بلاغی به کار رفته در آن‌ها، در آثار وی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است اما با توجه به اینکه زلالی خوانساری، شاعری تصویرگرا و نوجو است و برجستگی هنر شاعری وی در تصویرسازی آشکار است؛ همچنان خلاء تحقیقاتی پیرامون بررسی و تحلیل تصاویر نوآورانه در شعر وی مشاهده می‌شود. از این رو، جای دارد تا نو تصویرهای وی در سطح بیت و در ارتباط با دیگر تصاویر شعری شاعر بررسی گردد. بنابراین، شناسایی شیوه‌های وی در ایجاد تصاویر نوآورانه می‌تواند موجب کشف شگردهای هنری و ارزش‌های شعری وی شود و رهیافتی برای دریافت معنای ابیات پیچیده شعر وی نیز باشد.

۱-۳ روش پژوهش

در پژوهش حاضر ابیات دارای تصاویر نوآورانه، از کلیات اشعار زلالی خوانساری استخراج گردید. پس از گزینش هدفمند ابیات شاخص (همچون ابیات دارای تصرفات واژگانی، کنایات مبتکرانه، تصاویر غریب و...)، شیوه‌های شاعر در پردازش تصاویر نو، به روش توصیفی-تحلیلی در سطح بیت بررسی گردید.

۲- بحث و بررسی

نگاه نو و خلاق زلالی خوانساری در پردازش تصاویر، گویای این واقعیت است که وی، آگاهانه و با نگرشی نو به دنبال کشف ارتباطات تازه و مبتکرانه از پدیده‌های مختلف بوده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تصاویر نوآورانه وی عمدتاً حاصل سه شیوه است:

۱-۲. تصاویر تلفیقی

در شعر زلالی خوانساری، تصاویر نو، از طریق تصاویر تلفیقی، در دسته‌های زیر، نمود یافته است:

۱-۱-۲. تصویر نو، حاصل تلفیق تصاویر تشبیهی و استعاری

نوجویی و تمایل زلالی به ایجاد تصاویر نو و حتی غریب، موجب شده تا وی با هنرمندی از طریق پیوندهای باریک معنوی و لفظی، تصاویر برخاسته از تشبیه را با تصاویر استعاری، تلفیق سازد. از این‌رو، بررسی تصاویر تلفیقی در شعر زلالی خوانساری نشان می‌دهد، وی با بهره‌گیری از فنون بلاغی تشبیه و استعاره؛ هنر چینش واژگان (همچون تناسب لفظی و معنایی) در کنار توانایی تلفیق تصاویر، توانسته است تصاویر نو و بدون پیشینه در شعر خویش ایجاد کند و از آنجا که یک‌سوی نوتصویرهای وی در این شیوه، بر پایه تشخیص در استعاره (یا استعاره مکنیه) است، موجب شده تا در این بخش، تصاویر پویا و بلیغ شکل بگیرد؛ و با تکمیل فضای تصویری بیت، باعث قوت وجه معنایی آن نیز بشود. همچنین زلالی با یافتن شباهت میان تصاویر تشبیهی و استعاری، موجب تحکیم و اتحاد تصویر نوآورانه با اجزای سازنده آن، شده است. افزون‌براین، به علت تلفیق تصاویر تشبیهی و استعاری با یکدیگر، جنبه تفصیلی تصاویر در این شیوه، بیشتر مشاهده می‌گردد.

در بیت:

غنچه بوس در دهان چمن ریخت شبنم چنین ز نوش سخن

(میخانه: ۳۰۹)

زلالی، تصویر جدیدی از حضور غنچه در باغ، به نمایش گذاشته است. این تصویر نوآورانه، برآیند تلفیق تصویر تشبیهی (غنچه به بوسه) با تصویر استعاری مکنیه (دهان چمن) است. از سوی دیگر، تناسبی که میان تصاویر تشبیه و استعاره از طریق واژگان دهن، بوسه / غنچه و چمن برقرار شده؛ موجب یکپارچگی و انسجام تصویر نوآورانه آن شده است. بدین ترتیب، غنچه سرخ شکوفا در چمن، همچون بوسه سرخی بر دهان چمن است که سخن‌نویسین نیز می‌گویند و منظور از سخن غنچه، شبنمی است که بر آن لغزیده که خود تصویر جدید دیگری است. همانطور که مشاهده می‌گردد؛ شاعر، با ایجاد تصاویر مبتکرانه پی‌درپی، برای خواننده فرصت اکتشاف تصویر فراهم می‌کند تا از تصویری به تصویر دیگر، انتقال یابد.

مشابه تصویر مبتکرانه بالا در بیت زیر نیز مشاهده می‌شود:

گلشن شعله زبان، سخن است بلبل باغ غنچه دهن است

(میخانه: ۳۰۸)

در این بیت، زلالی، تصویری خلاقانه از سخن، نشان داده که این تصویر نو، حاصل تلفیق تصویر تشبیهی (باغ دهن) با تصویر استعاره مکنیه (غنچه دهن) است که هر دو نیز با بلبل و گلشن، در تناسب قرار دارند. نکته قابل تأمل دیگر در این بیت، ظرافت‌های تصویری نهفته در آن است:

از یک‌سو، بلبل، سخن‌آور است؛ اما در این تصویر نو، سخن، بلبلی است که بر باغ دهن می‌نشیند؛ از سوی دیگر، دهان همچون غنچه‌ای است که بلبل سخن، ملازم آن است.

همانطور که در دو بیت بالا مشاهده گردید، تصوّر دهان برای چمن و غنچه، موجب جریان داشتن تحرک تصویر نوآورانه در سایر بیت شده است و آن را تحت تأثیر خود درآورده است. این حرکت داشتن و زنده بودن تصاویر، تنها به تصاویر کسب‌شده از طبیعت، محدود نشده؛ بلکه تصاویر نوآورانه برگرفته از موضوعات انسانی (همچون اجزای چهره) نیز در شعر زلالی، جنب و جوش و تحرک دارد. در بیت:

دام مرغان بهشت است و کمند غفران
زلف آهی که به رخسار جگر، خم به خم است

(قصاید و ترکیبات: ۵۰)

شاعر، تصویر جدیدی از آه برخاسته از جگر (مجازاً اندوه)، به نمایش گذاشته که حاصل آمیختگی و تلفیق تصویر استعاری مکنیه (زلف آه) با تصویر استعاری مکنیه (رخسار جگر) است. نکته قابل تأمل در این بیت، توجه شاعر به زیرساخت تشبیهی (زلف آه) است که اعجاب مخاطب را برمی‌انگیزد؛ گویی شاعر به طور همزمان به وجه تشبیهی و استعاری تصویر، نظر داشته است: آه در سیاهی، پیوستگی و درازی همچون زلف است که تناسب واژگان خم به خم، کمند، زلف و رخسار نیز قوت آن افزوده‌اند. از سوی دیگر از آنجا که جگر، خاستگاه آه است؛ ملازمت و همراهی آه با جگر همچون ملازمت زلف با رخسار، مجسم شده که شاعر از این طریق نیز وجهی نو در تأثیرگذاری بر خواننده یافته است.

یا در نمونه زیر:

بسته بر گلگون اشک بی‌دلان، طبل حباب
زلف را باز سیه بر طبل جان انداخته

(قصاید و ترکیبات: ۱۰)

در ترکیب مبتکرانه (طبل حباب)، حباب به طبل تشبیه شده است، از سوی دیگر، طبل حباب، استعاره از اشک است. بنابراین، «از مهم‌ترین دلایل توفیق زلالی در ساخت چنین استعاره‌هایی، استفاده درست او از تشبیهات حسّی و تجارب بدیع و مکاشفه‌گونه و نه کلیشه‌ای و التقاطی است» (شفیعیون، ۱۳۸۷: ۴۵).

همراهی و آمیختگی تصاویر مربوط به موضوعات طبیعت با موضوعات مربوط به انسان (همچون اجزای چهره)، همواره دستمایه تصویرسازی شاعران قرار گرفته؛ زلالی خوانساری نیز با برقراری اتصال و پیوستگی عمیق میان تصاویر تشبیهی و استعاری، میان این دو، به تصاویر نوآورانه دست یافته است.

در بیت:

ز مژگان، دیده‌ام آن خفته بر جو ست
که بیلش زیر سر، آتش به پهلوست

(محمود و ایاز: ۷۷۳)

شاعر، تصویر نوآورانه‌ای از دیده اشکبار، نمایش داده است که حاصل تلفیق تصویر تشبیهی جدید (دیده به خفته کنار جو) با تصاویر استعاری (بیل: استعاره از چشم) و (آب: استعاره از اشک) است. از یک سو، تناسب میان واژگان خفته، جو، آب و بیل؛ با مژگان، دیده و آب، و از سوی دیگر، اغراق نهفته در تصویر نیز میان تصاویر تشبیهی و استعاری، پیوند و اتحاد برقرار کرده است. بدین ترتیب، چشم اشکبار همچون خفته بر لب جویبار است که بیلی (استعاره از مژگان روئیده بر پایین چشم) زیر سر دارد.

۲-۱-۲. افزوده شدن تصویر نو، از طریق تشبیه، به تصویر دیگر

در این نوع تصاویر تلفیقی، شاعر صرفاً به مدد تشبیه، تصویر نو را به تصویر یا تصاویر دیگر افزوده است و اینگونه بار معنایی تصویر نوآورانه، بر تصاویر دیگر افکنده شده؛ و با یکدیگر، تکمیل می‌شوند.

در بیت:

در آن نفس که به روی نشاط غلتیدن
نمود سینه ماهی ز آبگینه بخار،
غرض ز سینه ماهی است، صبح جرعه فشان که همچو مست ز دنبال می‌کشد دستار
(قصاید و ترکیبات: ۳۲)

تصویر نو و مبتکرانه از (صبح سپید) با تشبیه صبح به مست؛ به تصویر دستار به دنبال کشیدن افزوده شده است. گفتنی است، شاعر در این دو بیت، شبکه‌ای از تصاویر نوآورانه و پی‌درپی از صبح، به نمایش گذاشته است: سینه ماهی که در آبگینه بخار (یعنی آسمان) می‌درخشد، صبحی است که مستانه دستار به دنبال خود می‌کشد.

در بیت:

گلدسته فروش عشق، آذر
پروانه شمع او، سمندر
(آذر و سمندر: ۳۹۰)

تصویر جدید از (بسیاری عشق) را با تشبیه عشق به گلدسته (= دسته گل)؛ نمایش داده است و به تصاویر شمع و پروانه، افزوده است. زلالی، در این بیت شخصیت داستان - یعنی آذر - را گلدسته فروش عشق، توصیف کرده است. همانطور که گفته شد، (گلدسته عشق)، نوترکیب و تصویری مبتکرانه از ذهن خلاق زلالی خوانساری است که در تصاویر شعری پیشینان، دیده نمی‌شود. افزون‌براین، همراهی و تناسب میان گل در واژه گلدسته، با پروانه، تداعی‌کننده عشق سنتی پروانه به گل سرخ است و از سوی دیگر، تناسب تصاویر سنتی دو عاشق در شعر فارسی یعنی پروانه و شمع نیز بر تقویت توصیف عشق شخصیت‌های آذر و سمندر، افزوده است و از آنجا که عشق به گلدسته تشبیه شده، ابراز عشق و محبت آذر به سمندر، در سخن شاعر با تعبیر (فروش)، تقدیم عشق به وی، توصیفی تازه یافته است.

در بیت:

به ترکستان چشم من، نظاره شود از تیغ غمزه، پاره‌پاره
(محمود و ایاز: ۵۹۴)

زلالی، تصویر نو از (مستی چشم) را با تشبیه چشم به ترکستان، به تصویر کشیده؛ و به تصاویر تیغ و پاره‌پاره که با ترکستان در تناسبند، افزوده است. نکته قابل تأمل در این بیت، اغراق نهفته در تشبیه چشم مست و خونریز به ترکستان، است.

در بیت:

صراحی آمد از پی چون غزاله
چو آهوره‌ای با او پیاله
(محمود و ایاز: ۶۲۶)

شاعر، تصویر نو از (پیاله می) را با تشبیه پیاله به آهوره، نمایش داده؛ و اشتراک نهفته در این تشبیه را به تصاویر صراحی و غزاله افزوده است.

و یا در بیت:

سَحَر، پیمانۀ سحر حلالم فلک، پروانۀ شمع خیالم

(محمود و ایاز: ۷۸۹)

زلالی خوانساری، تصویر نو از (گردش فلک) را با تشبیه فلک به پروانه، به تصویر کشیده است. تناسب و ملازمت سنتی که میان تصاویر پروانه و شمع است، تصویری است که تصویر مبتکرانه به آن، افزوده شده تا بدین طریق، زلالی، افلاک را به دلیل گردش بر گرد خیالش، ملازم همیشگی خود در الهام اشعارش، توصیف کند.

هنوزم خار مژگان، خوشه چین است سرشکم، کوچه گرد آستین است

(محمود و ایاز: ۷۹۸)

تصویر نو از (قطرات اشک) را با تصویر تشبیه آستین به کوچه، و همچنین تصویر کوچه گردی سرشک افزوده است. و یا در بیت:

جهد سوی فلک، اشکم زهر یک که آتشبازم و اشک است موشک

(محمود و ایاز: ۸۶۷)

تصویر نو از (اشک سرخ) با تشبیه به موشک؛ به تصاویر فلک و آتشبازی افزوده شده است. شاعر در این تصویر، با برقراری شباهت نو میان اشک با پدیده‌ای همچون موشک آتشبازی، سرعت اشک خود را که به سوی آسمان روان می‌شود، به موشک آتشبازی تشبیه کرده است.

افزون‌براین، برخی از تصاویری که تصویر نو، به آن‌ها افزوده می‌شود؛ به دلیل داشتن پیشینه ادبی، برای ذهن مخاطب آشنا است. این آشنایی که از طریق تلمیح، حاصل شده است نیز موجب لغزش سریع‌تر ذهن، از یک تصویر به تصویر دیگر می‌شود. در بیت زیر که در وصف احوال افلاک در شب معراج حضرت رسول (ص) است؛ گوید:

قوس چو ضحاک بر این لاله‌زار قبضه یک پشته دوش دو مار

(حسن گلوسوز: ۱۷۹)

شاعر، تصویر نو از (حلقه داشتن برج قوس) را با تشبیه قوس به ضحاک؛ به تصاویر قبضه و دو مار افزوده است. علاوه‌براین، تصویر نوآورانه قوس، از طریق پیوند با پیشینه ادبی ضحاک و تصاویر مربوط به آن همچون دوش و دو مار، نیز تصویری غریب یافته است.

و یا در بیت:

ای دل من! ای دل من! خون ز تو اشک، لیلی و مژه، مجنون ز تو

(شعله دیدار: ۲۲۹)

زلالی، تصویر جدید (ارزشمندی اشک) را با تشبیه اشک به لیلی به نمایش گذاشته؛ و به تصویر مجنون و پیشینه ادبی آن در کنار لیلی افزوده است.

و مشابه این تصویر در بیت:

لیلی هر شکوفه، جوشان است مغز مجنون ما پریشان است

(میخانه: ۲۹۷)

شاعر تصویر نوآورانه (دوست‌داشتنی و ارزشمند بودن شکوفه) را با تشبیه شکوفه به لیلی نمایش داده؛ و همچون بیت پیشین به مجنون و پیشینه ادبی آن در کنار پریشانی و لیلی، افزوده است.

در بیت:

جبینش، تخته بی‌چین ارژنگ

زده بر تارک تعلیم، صد رنگ

(محمود و ایاز: ۶۱۳)

تصویر نو از (جبین صاف و بی‌چین معشوق) با تشبیه جبین به تخته ارژنگ؛ به تناسب تصویر بی‌چین، تارک تعلیم و رنگ افزوده شده؛ و بدین ترتیب نمایش تازه از جبین، با تصاویر دیگر، تکمیل و دریافت شده است. همچنین در بیت:

شبی از روشنی، ظلمات تنگی

خضر، خالی و آبش، زلف زنگی

(محمود و ایاز: ۶۸۳)

زلالی خوانساری، تصویر نو و غریب از (ارزشمندی خال) را با تشبیه خال به خضر؛ نمایش داده؛ و به تصاویر مربوط به خضر همچون ظلمات، شب، آب و پیشینه ادبی آن، افزوده است.

و یا مشابه چنین تصویری در بیت:

به چاه بابلش روز و مه و سال

فتاده یوسف و زهره بر او خال

(محمود و ایاز: ۶۹۲)

شاعر، تصویر نوآورانه دیگری از خال را با تشبیه آن به زهره، به تصویر کشیده؛ و به تصویر زهره و تصاویر مربوط به آن همچون چاه و بابل افزوده است.

۲-۱-۳. افزوده شدن تصویر نو، از طریق استعاره، به تصویر دیگر

از آنجا که در استعاره، مشبه و ادات تشبیه، حذف شده و لفظ مستعار (یا مشبه‌به) باقی مانده؛ جنبه خیال‌انگیزی آن، بیشتر از تشبیه است؛ از این‌رو، زلالی خوانساری گاهی از استعاره، همچون حلقه واسطی برای انتقال تصویر نوآورانه به تصاویر دیگر بیت، بهره برده است.

در بیت:

به نوشِ باده خونِ دلِ برشته کباب

به جوشِ آبله‌های جگرشکاف حباب

(قصاید و ترکیبات: ۱۸)

زلالی خوانساری، تصویر نوآورانه (آبله‌های جگرشکاف حباب) را استعاره از اشک خونین قرار داده؛ بدین ترتیب، این تصویر سازی نو از اشک، از طریق لفظ مستعار آن، به تصاویر مصراع اول همچون باده خون و دلِ برشته، افزوده شده است تا تکمیل کننده آن‌ها نیز باشد.

در بیت:

که ای خونابه بخت سیه‌رو!

گو خونابه‌زار خنجر مو

(محمود و ایاز: ۶۸۸)

شاعر، تصاویر جدید از چشم سیاه و چشم سرخ را به تصویر کشیده است. بدین ترتیب، (خونابه بخت سیه‌رو) استعاره از چشم سیاه است و (گو خونابه‌زار خنجر مو) نیز استعاره از چشم سرخ از اشک است؛ این دو تصویر جدید از طریق الفاظ مستعار خود، به حسن تعلیل نهفته در هر مصراع، افزوده شده‌اند:

خونابه بخت سیه‌رو < چشم سیاه > حسن تعلیل: سیاهی چشم به دلیل سیاه‌بختی.

گو خونابه‌زار خنجر مو < چشم سرخ و خونین > حسن تعلیل: سرخ بودن چشم به دلیل چکیدن خونابه از خنجر مژگان.

و در بیت:

دو زنگی بچه را سر بر سر هم

به کشتی در فن آشوب عالم

(محمود و ایاز: ۶۹۰)

شاعر برای ابتکار در تصویرسازی از ابروی سیاه و بلاخیز ایاز، تصویر (دو زنگی بچه سر بر سر هم) را استعاره از ابروی پیوسته وی، قرار داده؛ و با تصویر مصراع اول یعنی کشتی و آشوب، افزوده است تا جنبه خیال‌انگیزی تصویر را قوت بخشد.

۲-۲. تصرفات واژگانی

برخی تصاویر مبتکرانه زلالی خوانساری، حاصل تصرف در واژگان است. گاهی شاعران، «برحسب قیاس و گریز از قواعد ساخت واژه زبان هنجار، واژه‌ای جدید می‌آفرینند و به کار می‌بندند؛ از طریق آن زبان خود را برجسته می‌سازند» (صفوی، ۱۳۷۵: ۵۳)؛ زلالی خوانساری نیز از این طریق، علاوه بر نمایش تصویری نو، به سخن خویش برجستگی می‌بخشد که اغلب با شیوه‌های زیر، در شعر وی ایجاد شده است:

۲-۱. ساخت اسم مکان

زلالی خوانساری با ساخت اسم مکان، تصاویر نو و همراه با اغراق از پدیده‌ای را به نمایش گذاشته است. برای نمونه، در بیت:

برگ گل بود و دستبازی باد

در شفاعت، لبش مسیح‌آباد

(میخانه: ۲۸۲)

شاعر، در نعت حضرت رسول (ص)، لب وی را در حیات‌بخشی و شفاعت‌گری همچون مکانی یافته است که مناسب‌ترین و دقیق‌ترین نام آن، (مسیح‌آباد) است. بنابراین، تصویر مبتکرانه مسیح‌آباد بودن لب، برای شاعر، این مجال را فراهم کرده است تا زندگی‌بخش بودن لب ممدوح را در تصویری نو و بدون پیشینه و همراه با اغراق نشان دهد.

یا در بیت:

ز حسنش، هر کناری یوسفستان

که تا غزنی شد از رویش، گلستان

(محمود و ایاز: ۵۶۷)

با ساختن اسم مکان (یوسفستان) از نام یوسف، مکانی با زیبارویان بسیار را همراه با اغراق نشان داده است.

و در بیت:

(همان: ۷۶۹)

برای نمایش تصویر مبتکرانه از شدت و فراوانی گریستن، کنار و آغوش عاشق را (اشکزاری پر از در) نامیده است. علاوه بر تصاویر ذکر شده، در شعر زلالی خوانساری، نمونه‌های زیر نیز تصاویری نو هستند که با این شیوه، ایجاد شده‌اند: رقص آباد نخلستان: استعاره از نخلستان پر از نخل‌های خرامان در اثر وزش باد (شعله دیدار: ۲۳۰)؛ الفت سرای مهرآباد: استعاره از دنیا که محل الفت و محبت یاران است (محمود و ایاز: ۵۶۵)؛ لاله‌زار سیمرغی: استعاره از دنیای خیالی خواب (همان: ۸۷۱).

۲-۲-۲. ساخت مصدرهای جدید

در این شیوه، زلالی خوانساری با ساخت مصدرهای جدید، علاوه بر برجستگی سخن، تصویر نو را همراه با مفهوم استمرار، نمایش داده است. برای نمونه در بیت:

سایه را، فرهادسازی پیشه‌اش نقش شیرین، ریزه‌چین تیشه‌اش

(شعله دیدار: ۲۴۳)

شاعر برای توصیف خوانسار، با نوآوری و تصرف در واژگان، سایه‌های زیبای نقش‌بسته بر زمین را، با ساخت مصدر «فرهادسازی» یا فرهادسازی کردن (در معنای کار هنری شگفت کردن) نمایش داده است.

و در بیت:

صدف گشتن به گوهرهای فکرت می خمخانه سرجوش ذکرت

(محمود و ایاز: ۴۷۰)

با ساخت مصدر از صدف؛ (صدف گشتن) را تصویری نو و در معنی احاطه کردن و در بر گرفتن، به کار برده است.

و یا در بیت:

کند از دیده‌اش در اشک‌پاشی مژه، لیلی؛ نگه، مجنون تراشی

(همان: ۵۴۱)

با ساخت مصدر مبتکرانه (مجنون تراشی)، مجنون تراشیدن را تصویری نوآورانه از عاشقانه نگاه کردن قرار داده است.

۲-۳. ساخت صفات نو یا ایجاد ترکیبات وصفی مبتکرانه

شاعر در این شیوه، اساس تصویرسازی را بر ساخت صفات نو یا ایجاد ترکیبات وصفی مبتکرانه؛ قرار داده است که تصاویر حاصل از آن، اغلب با حسن تعلیل و تشخیص همراه شده و بر اغراق نهفته در تصویر نیز افزوده است. برای نمونه، در بیت زیر، زلالی خوانساری در پایان نعت حضرت رسول (ص) گوید:

سرو را ذره خورشیدگرم دست من گیر که افتاده‌ترم

(ذره و خورشید: ۳۳۹)

با در نظر داشتن تناسب ذره با خورشید و ارتباط میان این دو، خود را در مقام تواضع، به (ذره خورشیدگر) تشبیه کرده است؛ گویی خورشیدگر بودن ذره در نگرش شاعر، از دو جهت قابل توجیه است: از سویی تلاش ذره برای خورشید بودن و همسانی با آن قابل تأمل است و از سوی دیگر، با توجه به واژه سرو و معنای بالابند بودن آن، تلاش ذره را برای خورشید شدن و بالا رفتن نشان می‌دهد.

و یا در بیت:

ز ناله، تار و پودم در فراش است
که خواب عشق‌یافان، خوش قماش است
(محمود و ایاز: ۵۲۰)

در نظر شاعر، تصویر مداومت اندیشیدن عاشق به عشق، موجب شده تا زلالی خوانساری صفت فاعلی مبتکرانه (عشق‌یاف) را برای تجسم و عینیت بخشیدن به آن بسازد.
و یا در بیت:

به باغ و راغ، آب عیسوی کیش
نفوذش بود از خاکستر خویش
(محمود و ایاز: ۵۲۹)

زلالی خوانساری برای نمایش مبتکرانه از حیات بخشی آب، آن را با صفت (عیسوی کیش)، توصیف کرده است و اینگونه، این تصویر را با ایجاز همراه با نوآوری، نشان داده است.
در بیت:

ز گل‌رویان در آن باغ گل‌آلود
که فرشش، پرده‌های چاک دل بود
(محمود و ایاز: ۵۷۱)

وی برای نمایش تصویر مبتکرانه از باغ پر گل، آن را با صفت نو (گل‌آلود)، توصیف کرده است که در ضمن آن، اغراق در بسیاری گل‌های باغ، قابل تأمل است.

علاوه بر تصاویر ذکر شده، در شعر زلالی خوانساری، نمونه‌های زیر نیز تصاویری نو هستند که از طریق ساخت صفات نو یا ایجاد ترکیبات وصفی مبتکرانه، ایجاد شده‌اند:

بابل‌گرهاروت‌ساز، صفت برای شاعر (حسن گلوسوز: ۱۸۸)؛ عشوه‌پرداز و نظرباز، صفت برای حباب (محمود و ایاز: ۵۹۶)؛ چارچشم حیرت‌اندیش، صفت برای شقایق (محمود و ایاز: ۶۱۴)؛ قمرسُم، صفت برای اسبان (محمود و ایاز: ۷۰۶)؛ ماه‌رفتار، صفت برای بُختیان (محمود و ایاز: ۷۰۶)؛ گلپوش، صفت برای چهره (محمود و ایاز: ۷۱۸)؛ مهر‌آشام، صفت برای ماه: استعاره از ایاز (محمود و ایاز: ۷۲۶)؛ فروداشت، صفت برای نخل: استعاره از ایاز بلندبالای شکیبا (محمود و ایاز: ۷۸۷).

۲-۲-۴. ساخت وابسته‌های عددی مبتکرانه

شمارش و اندازه‌گیری هر چیز به شاخص مشخص نیاز دارد؛ اما گاهی شاعر برای عبور از این هنجار و ساخت تصویری بدیع، وابسته‌های عددی را به گونه‌ای غیر معمول و به دور از کاربردهای همیشگی آن استفاده می‌کند. «ساخت وابسته‌های عددی از

ویژگی‌های خاص سبک هندی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۱: ۴۶). زلالی خوانساری، گاه، برای نمایش تصویر نو از بسیاری چیزی، آن را از طریق ایسته‌های عددی مبتکرانه به تصویر می‌کشد که در این ساختار، معدود و وابسته آن، هر دو مادی هستند. در بیت زیر:

غنچه غنچه، بوسه‌های آتشین

در ترازو بر یسار و بر یمین

(شعله دیدار: ۲۳۸)

شاعر برای نمایش مبتکرانه از فراوانی و تأثیر بوسه، با زیرساخت تشبیهی، بوسه را به غنچه تشبیه کرده است. در اینجا (غنچه‌غنچه) به جای عدد نشسته و (بوسه‌های آتشین) نیز معدود آن است که هر دو، پدیده‌هایی مادی هستند. و یا در بیت:

دهم غنچه‌غنچه، بوسه بکر

عارضم لاله‌لله، آتش فکر

(میخانه: ۳۰۶)

برای نشان دادن تصویری مبتکرانه از سرخی چهره در اثر اندیشه سوزان عشق، این گزاره‌های تصویری را در ساختار وابسته عددی قرار داده است؛ بدین ترتیب، (لاله‌لله) جایگزین عدد است و (آتش فکر) نیز معدود آن است.

۲-۳. کنایه‌های مبتکرانه

شعر این دوره، شعر عامه مردم است و کنایه «از طبیعی‌ترین راه‌های بیان است که در گفتار عامه مردم و امثال و حکم رایج در زبان ایشان، فراوان می‌توان یافت ... و همچنین کنایه، قوی‌ترین راه القای معانی در شعر است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۱۴). یکی از جلوه‌گاه‌های هنر شاعری زلالی خوانساری، استفاده دوسویه از کنایه است؛ به بیان دیگر، تصویر نوآورانه را در بستر کنایه‌ای مبتکرانه، نشان داده است، تا از این طریق، علاوه بر گسترش ظرفیت تصویرسازی در شعر خویش، تصاویر غریب نیز به نمایش بگذارد.

کنایات مبتکرانه در شعر زلالی که منجر به خلق تصویر نوآورانه شده است، در دسته‌های زیر، جای می‌گیرد:

۲-۳-۱. کنایه‌های تشبیهی

در این کنایات، هم، نوآوری در تشبیه وجود دارد و هم تصویر حاصل از آن، تازه و جدید است که به دو طریق قابل مشاهده است:

الف- کنایه‌های تشبیهی همراه با مفاهیم انتزاعی

برخی کنایات مبتکرانه در شعر زلالی خوانساری، در ساختار تشبیه، عرضه شده و با مفاهیم انتزاعی پیوند دارد؛ بنابراین گاهی تصویر نو، حاصل ترکیب کنایه با اضافه تشبیهی است که با تصویر انتزاعی همراه شده باشد؛ این همراهی مفهوم انتزاعی با کنایه و تشبیه، موجب می‌شود تا میان معنا و تصویر، فاصله‌ای قرار گیرد و اینگونه مخاطب برای دریافت معنا، نیازمند آگاهی از مقدمات و جداسازی تصاویر است. گفتنی است، پیوند تشبیه با مفاهیم انتزاعی، در ساخت کنایه‌های مبتکرانه، موجب

تأثیرگذاری تصویر و معنای حاصل از آن، بر خاطر خواننده می‌شود، زلالی خوانساری نیز بنای برخی تصاویر مبتکرانه خویش را بر آن قرار داده است؛ تا از رهگذر آن، به تصاویر غریب نیز دست یابد. در بیت:

وصلی از نخل بلندی می‌دمید آرزو چون سرو، بالا می‌کشید

(شعله دیدار: ۲۳۹)

اساس ساختار کنایه تازه (بالا کشیدن آرزو چون سرو) بر تشبیه انتزاعی - عینی (آرزو به سرو) است. وجه شباهت بلندی و بلندی، پیوند تصویری و معنایی آرزو با سرو است. بر این اساس، شاعر از طریق این کنایه، (استمرار آرزومندی) به وصل را با تصویری جدید نمایش داده است.

همانگونه که در تصویر بالا نیز دیده شد، تحرک بخشیدن به تصاویر و خارج ساختن آن‌ها از ایستایی در تصاویر مبتکرانه زلالی، یکی از تمایلات وی به شمار می‌رود؛ که در بیت زیر نیز قابل مشاهده است:

عقل، رخش جنون به میدان تاخت شید را کفر، خصم ایمان ساخت

(میخانه: ۲۹۹)

برای نمایش سرعت زایل شدن عقل، آن را از طریق تصویری تازه، نمایش داده است؛ بدین طریق، کنایه مبتکرانه (رخش جنون به میدان تاختن)، علاوه بر تشبیه انتزاعی - جنون به رخش)، دارای تحرک و پویایی است. و یا در بیت:

به فرق خوش دلی، خاکستر عشق سر آسودگی گرد سر عشق

(محمود و ایاز: ۴۹۹)

تصویر تازه‌ای از بی‌قراری در عشق، به تصویر کشیده که حاصل از کنایه مبتکرانه (خاکستر عشق، بر فرق خوش دلی ریختن) است؛ بدین ترتیب، با تشبیه مفهوم انتزاعی عشق به پدیده حسی خاکستر، و ترکیب آن با کنایه، بر قدرت معنا نیز افزوده است: عشق، موجب بی‌قراری و آشفتگی خاطر عاشق است و خوشی و آسایش را از وی دور می‌کند؛ و در تصویر دیگر، ریختن خاک و خاکستر بر سر، نشانه فرا رسیدن اندوه و ماتم است. این دو تصویر، بیان‌کننده وجه شباهت خاکستر و عشق است که شاعر با بهره‌گیری از این تمهیدات، کنایه‌ای تازه ساخته است و توصیه می‌کند عاشق باید بر سر خوش دلی، خاکستر عشق بریزد و آسودگی را فدای سر عشق سازد.

ب- کنایه‌های تشبیهی همراه با امور عینی

در شعر زلالی، برخی کنایات مبتکرانه، از طریق همراهی تشبیه با امور عینی، شکل گرفته است. به دلیل آشنایی تصاویر عینی با تخیل مخاطب، میان معنای کنایه با تصویری که آن را انتقال می‌دهد، فاصله‌ای وجود ندارد از این‌رو، مخاطب همزمان با دریافت معنای کنایه، تصویر آن را نیز ادراک می‌کند؛ اما اغراقی نهفته نیز در معنای خود دارند.

در بیت زیر:

به چرخه فلکی تافتند پنبه صبح نشد که گردد جفت فتیله‌اش یک تار

(قصاید و ترکیبات: ۳۵)

کنایه تازه (پنبه صبح به چرخه فلک تافتن)، از طریق تشبیه عینی (صبح به پنبه)، تصویر نوآورانه‌ای از فرا رسیدن صبح، به نمایش گذاشته است که به علت محسوس بودن تصاویر چرخه، فلک، پنبه و صبح؛ معنای مورد نظر شاعر در مصراع اول، به سادگی ادراک می‌شود. نکته قابل توجه در این بیت، ارتباط میان مصراع اول با مصراع دوم است: شاعر، این بیت را در منقبت حضرت علی (ع) سروده؛ بزرگی فلک و شکوه صبح را در برابر فضیلت و عظمت ممدوح، به سخره گرفته و (پنبه صبح) را حتی تازی از فتیله چراغ وی نیز نمی‌داند.

و یا در بیت:

ای ز تو ذره کند خورشیدی!

نامیدی همه دم، آمیدی

(ذره و خورشید: ۳۳۳)

کنایه تازه (خورشیدی کردن ذره)، از طریق تشبیه مضمّر و عینی (ذره به خورشید)، تصویری نوآورانه از بزرگی کردن ذره و ادعای همانندی آن با خورشید را به تصویر کشیده است. در این بیت که در مناجات با پروردگار سروده شده است؛ ذره، نماد بندگان کوچک و ضعیف است که در پرتو عنایات پروردگار، امیدوار گشته و بزرگی می‌نمایند.

یا در بیت:

اگر سررشته زلفی نیابند

فرود آیند و تار آه تابند

(محمود و ایاز: ۶۶۸)

کنایه (تار آه تابیدن)، با همراهی تشبیه عینی آه به تار، تصویری نوآورانه از آه کشیدن را نشان داده است. گفتنی است، تابیدن تار آه، تصویری از استمرار در آه کشیدن و درهم پیچیدن و بی‌قراری به هنگام آه کشیدن را نیز نمایش می‌دهد.

۲-۳-۲. کنایه‌های استعاری

پیش از ورود به این بخش، گفتنی است برخی تصاویر نوآورانه در شعر زلالی خوانساری، حاصل کنایه‌ای است که در بطن خود با استعاره (غالباً استعاره مکنیه) ترکیب شده است. البته سعید شفیعیون در کتاب زلالی خوانساری و سبک هندی، در بحث مربوط به «استعاره»، به دو وجهی بودن برخی استعارات در شعر وی اشاره کرده و از آن‌ها به عنوان استعاره‌های مکنیه ایهامی یا استعاره تشبیه، یاد کرده است (نک. شفیعیون، ۱۳۸۷، ۴۳ و ۴۵) و همچنین در بخش مقدمه کلیات اشعار زلالی، ذیل بحث «کنایه» پس از ذکر معنای کوتاهی برای آن، با نقل تعریفی دیگر، به «خاص به عام بودن نسبت میان کنایه و استعاره» اشاره کرده؛ و پس از آن، سه بیت از زلالی خوانساری را به عنوان نمونه، آورده است (نک. شفیعیون، ۱۳۸۴، شصت و شش؛ شصت و هفت). پژوهشگر دیگری، از استعاره ایهامی کنایه، تحلیلی کوتاه ارائه داده است (حق‌جو، ۱۳۸۱، ۴۲۳-۴۲۵) و در مقاله‌ای دیگر، با تفصیل بیشتری، «استعاره ایهامی کنایه» در سبک هندی را بررسی کرده است (نک. حق‌جو، ۱۳۹۰).

با وجود ابیات دارای استعاره ایهامی کنایه و همچنین استعارات دو وجهی در شعر زلالی خوانساری، برخی تصاویر نوآورانه در شعر وی، حاصل کنایه‌های استعاری است که در پژوهش حاضر، این نوع از کنایه‌ها که موجب خلق تصاویر نوآورانه در شعر وی نیز شده؛ بررسی شده است:

وحشی خیالش را یابد به تماشا رقصیدن آه من و صحرای بلندی

(قصاید و ترکیبات: ۱۳)

زلالی خوانساری، تصویری جدید و نوآورانه از (آه کشیدن) به نمایش گذاشته؛ این تصویر که حاصل کنایه مبتکرانه (رقصیدن آه) است، با استعاره تبعیه و مکنیه آمیخته شده است: تبعیه بودن نوع استعاره به دلیل جلوه استعاره در فعل است و مکنیه بودن آن نیز به دلیل بخشیدن رفتاری بشری به آه.

یا در بیت:

صبح که از قید ادب، رسته شد دست به دستارچه اش بسته شد

(حسن گلوسوز: ۲۰۰)

شاعر، صبح را با تصویری نو، در کنایه مبتکرانه (بسته شدن دست صبح به دستارچه) به نمایش گذاشته است؛ وی در جنبه استعاره این کنایه، برای صبح، دست در نظر گرفته است. علاوه بر آن، این بیت و ابیات پیش از آن، توصیف کننده عناصری از طبیعت (در صفت ادب) هستند که با حسن تعلیل های نو و شاعرانه وی به کاررفته اند؛ از این رو در این بیت نیز تصویر سپیدی خط افق در بامداد، با تعلیلی شاعرانه، به دستارچه تشبیه شده است.

علاوه بر نمونه پیشین، در بیت:

بی جمالش، چشم اگر چهره گشاست هر نگاهی، یوسف نقصان ماست

(شعله دیدار: ۲۲۶)

نکته قابل تأمل، کاربرد دو سویه (چهره گشایی) برای چشم است که دو معنا از آن، قابل دریافت است:

۱. اگر چهره گشایی، در معنای افشاگری و آشکار کردن، در نظر گرفته شود؛ دیگر، استعاره مکنیه در آن جایگاهی نخواهد داشت.

۲. اگر چهره گشایی، با چشم ارتباط مستقیم داشته باشد یعنی برای چشم، چهره در نظر گرفته شده؛ استعاره مکنیه در آن، وجود دارد که در این صورت، (چهره گشایی چشم) کنایه مبتکرانه دیگری است که وی از طریق آن، تصویری نو از (دیدن و مشاهده کردن) را همراه با اغراق ایجاد کرده است. با توجه به اینکه بیت، در ذکر (توحید) است، معنای آن چنین است: اگر چشم از مشاهده و دیدن آثار زیبایی و جمال حق، ناتوان باشد، نشان از نقصان نگاه (= بینایی) اوست.

زلالی خوانساری در توصیف شب معراج حضرت رسول (ص) گوید:

مژه بر خویش می درید اغوش دیده، نظاره می کشید به دوش

(میخانه: ۲۸۷)

شاعر برای تکمیل فضای توصیفی و مدحی بیت، تصویر جدیدی از (تمایل و اشتیاق به دیدن)، نمایش داده است. این تصویر نوآورانه، حاصل کنایه مبتکرانه (آغوش دریدن مژه بر خویش) و استعاره مکنیه (تصور آغوش برای مژه) است؛ بدین ترتیب، آغوش دریدن مژه بر خویش کنایه از شدت اشتیاق چشم برای دیدن و مشاهده حضرت رسول (ص) است. از نظر زیبایی‌شناسی، آنچه بر تازگی این کنایه و تصویر حاصل از آن، افزوده؛ تشخیص همراه با اغراق نهفته در آن است. از سوی دیگر، تصویر ارائه‌شده از حالت مژه نیز با ابهام و غرابت، آمیخته شده است؛ گویی مژه (مجازاً چشم)، برای دقیق‌تر دیدن این عروج، آغوش خود را می‌درد تا از تنگنای آن، برهد.

در نمونه‌ای دیگر:

کلاه زحل را ز قارون گرفت

فلک، درگهش را همایون گرفت

(سلیمان‌نامه: ۴۱۱)

زلالی خوانساری، تصویر نوآورانه (بخت و اقبال بلند) ممدوح یعنی شاه عباس صفوی و بارگاه او را از طریق کنایه مبتکرانه (گرفتن کلاه زحل از قارون) به تصویر کشیده که وجه استعاری آن نیز کلاه داشتن زحل است. در این تصویرسازی، شاعر از مخالف‌خوانی - به عنوان یکی از تمهیدات برجسته‌سازی سخن - نیز بهره گرفته است و بیان می‌کند که در این بارگاه همایون، کلاه زحل (= نحوست و بدعاقبتی) از سر قارون برداشته می‌شود و اینگونه برخلاف هنجارهای ادبی، حتی قارون، فردی خوش اقبال می‌شود.

شاعر در بیت:

چراغ تاک را باریدن روح

دماغ خاک را خاریدن روح

(محمود و ایاز: ۸۳۴)

تصویر غریب و جدید (جان یافتن خاک) را از طریق کنایه تازه (خاریدن روح، دماغ خاک را) نمایش داده است. اگر در این کنایه، معانی مجازی خاک و دماغ (= مغز) را نادیده بگیریم، دماغ داشتن خاک، وجه استعاری این کنایه خواهد بود. علاوه بر این نمونه، در بیت:

قدش با مرگ عاشق، دوش با دوش

نگاهش با فریب دل، هم‌آغوش

(محمود و ایاز: ۵۵۵)

زلالی خوانساری، دو تصویر نو را در دو کنایه مبتکرانه، به تصویر کشیده است: - وی در مصراع اول، تصویری تازه از نگاه دلفریب معشوق را از طریق کنایه مبتکرانه (هم‌آغوشی نگاه با فریب دل) به تصویر کشیده است که وجه استعاری آن، فریب‌کاری و هم‌آغوشی نگاه نهفته است. - زلالی، در مصراع دوم، تصویری تازه از خرامانی معشوق و همزمان، شیفتگی و مفتون شدن عاشق به آن، نمایش داده است. این تصویر نو، حاصل کنایه جدید (دوش‌به‌دوش بودن قد معشوق با مرگ عاشق) است. بخشیدن ویژگی بشری به قد و مرگ، در دوش‌به‌دوش و همراه بودن با یکدیگر؛ استعاره مکنیه نهفته در این کنایه است.

افزون بر این، شاعر، تصویر مصراع دوم را در راستای تأکید بر معنای تصویر مصراع اول، با مفهوم انتزاعی (مرگ) پیوند داده و به نمایش گذاشته است.

۳- نتیجه گیری

دستآورد این پژوهش نشان داد، زلالی خوانساری شاعر سرشناس و تصویرگرای سبک هندی از طریق سه شیوه، به سوی خلق تصاویر مبتکرانه و گسست از تصاویر تکراری راه یافته است:

۱. تصاویر تلفیقی؛ تصاویر نوآورانه حاصل از این شیوه، پویا و دارای حرکت است و به دلیل آمیختگی تصاویر تشبیهی و استعاری با یکدیگر و همچنین برقراری تناسب قوی میان آنها، جنبه تفصیلی بیشتری پیدا کرده است. افزون بر این، زلالی کوشیده از طریق افزودن تصویر نو با مدد تشبیه به تصاویر دیگر بیت، بار معنایی تصویر نو را بر تصاویر دیگر، قرار دهد تا اتحاد تصاویر، محفوظ بماند؛ که بهره‌مندی از پیشینه ادبی تصاویر دیگر بیت و فن تلمیح، از دلایل این اتحاد است. علاوه بر این، وی برخی دیگر از تصاویر نوآورانه را از طریق استعاره به تصاویر دیگر بیت، افزوده؛ اما نقش تشبیه در این شیوه (چه در تصاویر تشبیهی - استعاری / و چه در بخش افزودن تصویر نو به مدد تشبیه به تصاویر دیگر) بیشتر و پررنگ‌تر است.

۲. تصرفات واژگانی؛ از راه‌هایی است که در آفرینش تصاویر ابتکاری در شعر وی، سهم بسزایی دارد زیرا تخیل نوگرای شاعر، فرصتی یافته تا از طریق تمهیدات واژگانی و ترکیبی، تصاویر متنوع عینی یا انتزاعی خلق کند. بدین ترتیب، تصاویر نوآورانه حاصل از ساخت اسم مکان، ترکیبات مبتکرانه وصفی و وابسته‌های عددی، جنبه‌های اغراق‌آمیز قوی‌تری دارد؛ و تصاویر حاصل از ساخت مصدرهای مبتکرانه، غالباً با مفهوم استمرار همراه شده است.

۳. کنایه‌های مبتکرانه؛ حضور کنایه‌های نوآورانه در شعر وی، یکی دیگر از عرصه‌های جلوه تصاویر مبتکرانه است. این کنایات مبتکرانه در دو دسته جای می‌گیرد:

کنایه‌های تشبیهی همراه با مفاهیم انتزاعی؛ تصاویر نوآورانه حاصل از این کنایه‌ها، گاهی حاصل ترکیب کنایه با اضافه تشبیهی است که با تصویر انتزاعی همراه شده باشد. همراهی مفهوم انتزاعی با کنایه و تشبیه، موجب می‌شود تا میان تصویر و ادراک معنای آن، فاصله قرار گیرد.

دسته دیگر، کنایه‌های تشبیهی همراه با امور عینی است؛ که به دلیل انس و آشنایی بیشتر تصاویر عینی با تخیل مخاطب، میان معنای کنایه با تصویری که آن را انتقال می‌دهد، فاصله‌ای احساس نمی‌شود.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. زلالی خوانساری، محمدحسن (۱۳۸۴)، کلیات، تصحیح سعید شفیعیون، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۱)، شاعر آینه‌ها، تهران: انتشارات آگاه.

۳. _____ (۱۳۸۵)، شاعری در هجوم منتقدان، چاپ دوم. تهران: انتشارات آگاه.

۴. شفیعیون، سعید (۱۳۸۷)، زلالی خوانساری و سبک هندی. تهران: سخن.

۵. صفوی، کوروش (۱۳۷۵)، از زبان‌شناسی به ادبیات ج ۱، تهران: انتشارات سوره مهر.

۶. فتوحی، محمود (۱۳۸۵)، بلاغت تصویر. تهران: سخن.

۷. لودی، امیرشیرعلی‌خان (۱۳۲۴ق). مرآة الخیال، بمبئی: مطبع مظفری.

ب) مقالات

۱. حق‌جو، سیاوش (۱۳۹۰)، «سبک هندی و استعاره ایهامی کنایه»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۱، صص ۲۵۵-۲۶۸.

۲. دهمرده، حیدرعلی؛ سامره شاهگلی (۱۳۹۷)، «حکیم زلالی خوانساری و هنر ترکیب‌سازی»، جستارهای نوین ادبی، شماره ۲۰۱، صص ۱۰۳-۱۳۱.

۳. سرمست، یدالله؛ حاجی مزدارانی، مرتضی و حسین یزدانی (۱۳۹۹)، «بررسی تشبیه در قصاید زلالی خوانساری»، مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۵۵، صص ۲۴۱-۲۶۰.

۴. فرخ‌نیا، مهین‌دخت؛ مظهری‌صفات، سمیه و بهجت‌السادات حجازی (۱۴۰۳)، «تحلیل شیوه‌های بازنگری و نوآوری زلالی خوانساری در تصاویر موتیوهای گیاهی (مجموعه اشعار زلالی خوانساری)»، فنون ادبی دانشگاه اصفهان. شماره ۱، صص ۷۹-۱۰۲.

۵. مظهری‌صفات، سمیه؛ فرخ‌نیا، مهین‌دخت و بهجت‌السادات حجازی (۱۴۰۳)، «بررسی وابسته‌های تصویری عناصر فلکی و جانوران در شعر زلالی خوانساری»، مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، شماره ۳۵، صص ۶۵-۹۸.

ج) مقاله مندرج در مجموعه مقالات

۱. حق‌جو، سیاوش (۱۳۸۱)، «پیشنهاد برافزودن دو فن دیگر بر فنون چهارگانه علم بیان»، مجموعه مقاله‌های نخستین گردهمایی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، به کوشش دکتر محمد دانشگر، تهران: مرکز بین‌المللی تحقیقات زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، جلد ۱، صص ۴۱۹-۴۲۷.

د) پایان‌نامه‌ها

۱. اکبری پور، مطهره (۱۳۹۳)، بررسی امور بلاغی در قصاید زلالی خوانساری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد.
۲. رحمانی، نازنین (۱۳۹۴)، بررسی سبکی مثنوی‌های زلالی خوانساری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.

Reference List in English

Books

- Fotouhi Rudmajani, M. (2006). *Image Rhetoric*, Second edition, Sokhan. [in persian].
- Lodi, A. A. (1324 AH). *Miryat Al-Khiyal*, Mozaffari Puplication.
- Safavi, K. (1994). *from linguistics to literature*, Sureh Mehr. [in persian]
- Shafiei Kadkani, M. R. (1992). *The Poet of Mirrors*, Agah. [in persian]
- _____ (2006). *A poet in the attack of critics*, Agah. [in persian]
- Shafieyoun, S. (2008), *Zolali Khansari and Indian style*, Sokhn. [in persian]
- Zolali Khansari, M. H. (2006). *Divan of Zolali Khansari* (by S. Shafieyoun), Library, Museum and Document Center of Iran Parliament. [in persian]

Journals

- Dahmardeh, H. A., & Shahgoli. S. (2018). Hakim Zolali Khansari and the Art of Synthesis. *New Literary Studies*, 2(201), 103-132. doi: 10.22067/jls.v0i0.72215 [in persian]
- Farrokhnia, M. D., Mazhari Sefat, S., & Hejazi, B. (2024). Analyzing the Methods of Revision and Innovation of Zolali Khansari in the Images of Flora Motifs (Zolali Khansari's Collection of Poems). *Literary Arts*, 16(1), 79-102. doi: 10.22108/LIAR.2024.140956.2368 [in persian]
- Haghjoo, S. (2011). Indian Style and the Metaphoric Double Entendre in ironic. *Journal of the stylistic of Persian poem and prose*, 1(11), 255-268. [in persian]
- Mazhari Sefat, S., Farokhnia, M., Hejazi, B. (2024). Visual associations of celestial elements and animals in Zolāli Khānsāri's poetry. *THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies*, 15(35), 35-98. doi: 10.22075/jlrs.2023.30389.2270 [in persian]
- Sarmast, Y., Mazdarani, M., & Yazdani, H. (2020). Investigating the simile in Zoolali Khansari's. *Journal Of Stylitic Of Persian Pom And Prose (BAHAR-E-ADAB)*, 9(55), 241-260. https://bahareadab.com/article_id/994 [in persian]

Article published in the collection of articles

- Haghgoo, S. (2002). *Proposal to add two other techniques to the quadruple techniques of expression*, the collection of articles for the Farsi Language and Literature Research (by Dr. Mohammad Daneshgar), Tehran: International Center for Persian Language and Literature Research and Iranian Studies, Tarbiat Modarres University, Vol.1, 419-427. [in persian]

thesis

- Akbaripour, M. (2014). *Investigation of rhetorical issues in Zolali Khansari's poems* [Master's thesis, Yazd Islamic Azad University], Central Library of Yazd Islamic Azad University. [in persian]

Rahmani, N. (2014). *Analysis of the style of Zolali Khansari's Masnavis* [Master's thesis, Al Zahra University], Central Library of Al Zahra University. [in persian]

پاییز فتنه نشده برای انتشار